

## حقوق بشر و رابطه‌ی آن با محیط زیست (با تأکید بر محیط زیست در افغانستان)

محمد زکی علی‌زاده<sup>۱</sup>

### چکیده

پس از برجیده شدن نظام ظاهرشاهی، سپس، اشغال افغانستان توسط شوروی و شکل‌گیری نظام‌های ملوک الطوائفی (حاکمیت محلی مجاهدین)، سیطره‌ی طالبان و جنگ‌های بی‌پایان داخلی در چهار دهه‌ی اخیر، منابع طبیعی افغانستان به شدت مورد استفاده‌ی بی‌رویه‌ی افراد محلی و عوامل سودجوی پاکستانی قرار گرفته و بخش عظیمی از طبیعت و منابع بکر کشور، تخریب و بعضاً رو به زوال نهاده است؛ نتیجه‌ی سوء این سکل مخرب، آلودگی و تخریب بیش از حد محیط زیست کشور بوده است. این در حالی است که با گسترش مباحث حقوق بشر، به خصوص در سیاق حقوق بین‌الملل، طی قرن گذشته، این سؤال مطرح شده است که آیا بشر، حقی نسبت به محیط زیست و منابع طبیعی موجود در آن دارد یا خیر؟ به تعبیر دیگر، آیا حق بر محیط زیست، نوعی از حقوق بشر محسوب می‌شود یا خیر؟ فرضیه‌ی مقاله‌ی حاضر این است که حق بر محیط زیست با کیفیت، الزاماً، یک حق بشری مستقل محسوب می‌شود که بر پایه‌ی ارزش‌های متعالی و بنیادی مهم‌تری مانند حق حیات، حق سلامتی و حق داشتن زندگی با معیارها و استانداردهای جهانی استوار بوده و ارتباط تنگاتنگی با پیش‌نیازهای تداوم حیات نسل کنونی و نسل‌های آینده همانند توسعه‌ی پایدار دارد. به طور خلاصه: «حقوق بشر و محیط زیست با یکدیگر رابطه متقابل و انکارناپذیری دارد.» در هر صورت، این پژوهش درصدد است، با روش توصیفی - تحلیلی، رابطه‌ی حقوق بشر و محیط زیست را بر مبنای دو دیدگاه انسان محور و محیط زیست محور، تبیین نموده و در نهایت به مهم‌ترین مصادیق حق بر محیط زیست به عنوان یک حق بشری اشاره نماید.

**واژگان کلیدی:** حقوق بشر، محیط زیست، حق بر محیط زیست، انسان محوری، طبیعت محوری

### مقدمه

امروزه در پی استفاده‌ی غیر کارشناسانه، غیر مسئولانه و بی‌رویه از منابع طبیعی و عدم توجه به مباحث محیط زیستی و عدم رعایت الگوهای صحیح پیشرفت در قالب مفهوم توسعه پایدار و همگونی با تمدن عصر جدید، محیط زیست طبیعی، به شدت، تخریب و مورد صدمه واقع شده است. در دهه‌های اخیر، توسعه غیر اصولی شهرها، افزایش جمعیت انسانی، تغییرات اقلیمی، وقوع خشکسالی‌های مداوم و سیل‌های مخرب، فقدان حکومت مقتدر و تأمین رفاه اجتماعی، عدم آگاهی مردم

---

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی (Mohammadzaki821@gmail.com)

نسبت به مسایل زیست محیطی و صدها عامل دیگر، باعث به وجود آمدن خطرات زیست محیطی و آلودگی های فراوانی در افغانستان شده است. به خصوص که آلودگی و خطرات زیست محیطی در این کشور، هیچ مرز و قلمروی نداشته و هر روز بر دامنه ی آن افزوده می گردد؛ زیرا علاوه بر اینکه آب و هوا، مواد آلوده و خطرناک را از یک منطقه یا ناحیه به قلمرو دیگر منتقل می نماید، فقدان حکومت مقتدر مرکزی، وجود آناشیزم سیاسی، اجتماعی و عدم آشنایی مردم به مسایل زیست محیطی در کشور نیز بر وخامت اوضاع افزوده است. عامل اساسی که به شدت محیط زیست کشور را تهدید می کند تخریب بی رویه و خارج از قاعده ی محیط زیست و منابع طبیعی آن است. با توجه به اینکه اغلب این منابع غیرقابل تجدید هستند و برخی از آنها ممکن است در اثر تخریب زیستگاه هایشان برای همیشه منقرض گردد، حفاظت از محیط زیست به یکی از مهم ترین دغدغه های بشری و ملی در دهه های اخیر تبدیل شده است. لذا برخی از حقوق دانان با مطرح نمودن حقوق محیط زیستی بشر، سعی در حفظ این حقوق و بهبود وضعیت موجود در آن دارند. به اعتقاد آنان، حقوق بشر صلاحیت آن را دارد که از محیط زیست در جهت منافع بشری محافظت نماید. به هر حال، این پژوهش، در چهار قسمت مسلسل، سعی بر آن دارد تا پس از ارائه تعاریفی از حق و حقوق، حقوق موضوعه و حقوق طبیعی، حقوق بشر و محیط زیست، به رابطه ی حقوق بشر و حفاظت از محیط زیست پرداخته (موضوع قسمت اول، دوم و سوم) و با طرح رویکردهای انسان محوری، طبیعت محوری، خالق محوری و جامع نگر به محیط زیست (موضوع قسمت چهارم)، در نهایت، به بیان مصادیق و چگونگی حق به محیط زیست سالم بپردازد (موضوع قسمت پنجم).

## ۱- مفهوم شناسی

در بحث مفهوم شناسی به تعریف حق و حقوق، حقوق بشر، حقوق موضوعه و حقوق طبیعی و تفاوت آن دو با یکدیگر می پردازیم.

### ۱-۱- تعریف حق و حقوق

حق، واژه ای عربی است که معادل آن در زبان فارسی «هستی پایدار» است؛ یعنی هر چیزی که از اثبات و پایداری بهره مند باشد، حق است (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ص ۷۴). واژه ی حق دارای معانی متفاوتی است که در اینجا به چند تعریف مهم از آن بسنده می کنیم. گاهی برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع، حقوق برای هر کس امتیازهایی را در برابر دیگران می شناسد و توان خاصی به او می بخشد، این امتیاز و توانایی را حق می نامند؛ مانند حق حیات، حق مالکیت، حق آزادی شغل و غیره (کاتوزیان، ۱/۱۳۷۱: ص ۲). اما گاهی حق امتیاز و نفعی است متعلق به شخص که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت از آن حمایت می کند و به او توان تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را می دهد (کاتوزیان: ۱۳۷۷، ص ۳۷۴). در تعریفی دیگر از مفهوم حق آمده است «حق امری است اعتباری که به نفع کسی و علیه دیگری وضع می شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ص ۲۶) لذا با توجه به تعاریف فوق می توان حق را اینگونه تعریف نمود که حق به معنای ویژگی و امتیازی است که برای موجودات (اعم از جاندار و غیرجاندار) وضع شده است و دیگران موظفند که آن را رعایت نمایند. در این پژوهش مراد ما از حق و حقوق، شامل تعریف اول و دوم بوده و مراد این است که حق بر محیط زیست امتیازاتی است که برای افراد وجود دارد و دولت موظف است زمینه ی برخورداری از آن را برای اتباعش فراهم نماید.

## ۱-۲- حقوق موضوعه و حقوق طبیعی

حقوق دانان حقوق را به دو دسته کلی «حقوق وضعی» و «حقوق طبیعی» تقسیم نموده‌اند؛ همانگونه که از نام «حقوق وضعی» یا «حقوق موضوعه» پیداست، حقوقی را که نیاز به وضع واضح دارند و انسان ذاتاً واجد چنین حقوقی نیست، «حقوق موضوعه» می‌نامند. و لذا در تعریف «حقوق موضوعه» گفته شده است: «مجموع قواعدی است که در زمان معین بر ملتی حکومت می‌کند» و نیز گفته شده است: «حقوق موضوعه مجموع نظامات و قواعدی هستند که بنا به نیازها و مقتضیات زمان و تحولات اجتماعی از طرف مقام صلاحیت دار وضع می‌شود و در زمان معین حقوق و تکالیف مردم و روابطشان را نسبت به هم معین می‌کنند و دولت، اجرای آن را به عهده می‌گیرد» (سبحان نینا، ۱۳۸۵: ص ۴۹). با توجه به این دو تعریف؛ بشری بودن، موقتی بودن، نسبی بودن، تحول پذیری، تابع مقتضیات زمان و مکان بودن و قابلیت نسخ داشتن از جمله ویژگی‌های حقوق وضعی هستند (ر، ک: همان).

اما ویژگی مهم حقوق طبیعی این است که برخورداری از آن برای همگان مساوی و یکسان می‌باشد. از این رو، حقوق طبیعی دارای مرتبه‌ای بالاتر از حقوق موضوعه است و از تقدم مرتبه‌ای برخوردار می‌باشد؛<sup>۱</sup> یعنی نه تنها نهادهای مقننه‌ی حکومت‌ها باید حقوق طبیعی را محترم بشمارند، بلکه باید قوانینی که به تصویب می‌رسانند و به مرحله اجرا در می‌آورند نیز، همگی باید در جهت محافظت و حمایت از حقوق طبیعی انسان‌ها باشد و مراقب باشند که در وضع قوانین، حقوق طبیعی نقض نگردد (همان: ص ۵۰). از واژه‌ی حقوق، دو نوع قدرت برداشت می‌شود. گاهی حقوق به معنای اراده مستقل فردی است که در اینجا حقوق با معنای آزادی مترادف می‌باشد؛ برای مثال تفاوتی بین آزادی رفت و آمد و حق رفت و آمد نیست. اما گاهی از اوقات حقوق به معنای مجموعه‌ی قدرتی است که نه بر خود بلکه بر دیگران اعمال می‌شود؛ در اینجا حقوق به معنای آزادی نیست بلکه حقوق به معنای مطالبه چیزی از افراد یا جامعه می‌باشد، برای مثال حق بر تأمین معاش، حق برخورداری از سلامتی نمونه‌های از مفهوم دوم حقوق است.

## ۱-۳- مفهوم حقوق بشر

تعریف واحدی از حقوق بشر وجود ندارد و نویسندگان در این باره تعریف‌های متعددی ارائه داده‌اند. برخی گفته‌اند حقوق بشر، حقوقی است که از نظر ملل متمدن برای هر فرد به طور ذاتی و اساسی وجود دارد و این حقوق تجزیه و تفکیک ناپذیر هستند (شفایی، ۱۳۸۶: ص ۲۳). هم چنین گفته شده است: «حقوق بشر به معنای امتیازاتی کلی است که هر فرد انسانی طبعاً دارای آن است. این امتیازات در صورت تحقق، معیار واقعی مشروعیت و ملاک محدودیت اقتدار دولت در قبال افراد است» (فلسفی، ۱۳۷۵: ص ۹۵). و نهایتاً اینکه «حقوق بشر عبارت است از مجموعه امتیازات متعلق به افراد یک جامعه و مقرر در قواعد موضوعه است که افراد به اعتبار انسان بودن و در روابط خود با دیگر افراد جامعه و با قدرت حاکم،

<sup>۱</sup> جان لاک معتقد است که افراد به عنوان انسان دارای حقوقی مشخص و فطری هستند و قبل از وجود قرارداد اجتماعی و ورود به جامعه‌ی مدنی (که فرد حق اعمال و اجرای این حقوق طبیعی را به دولت و گذار می‌نماید نه خود حقوق را) نیز وجود داشته‌اند (Burns, 1984: p 258 – 260; Kooijmans, 1990 به گزارش: صلح‌چی و درگاهی، ۱۳۹۳: مقدمه).

با تضمینات و حمایت لازم از آن برخوردار می‌باشد» (هاشمی، ۱۳۸۴: ص ۱۲) با توجه به تعریف‌های فوق می‌توان گفت: «حقوق بشر، مجموعه‌ای از امتیازات دارای مضمون و مفهوم والای انسانی است که انسان با صرف‌نظر از هرگونه وابستگی دینی، نژادی، جنسی و ... از آن برخوردار می‌باشد» (فیروزی، ۱۳۸۴: ص ۳۸). به تعبیر شهید مطهری: حقوق بشر: «حقوق ذاتی، غیر قابل سلب و غیر قابل اسقاطی است که لازمه‌ی حیثیت انسانی انسان‌ها بوده و دست توانای خلقت و آفرینش آن‌ها را برای انسان‌ها قرار داده است (مطهری، بی‌تا/۱۹: ص ۲۷).

#### ۱- ۴- مفهوم محیط زیست

مفهوم و قلمرو محیط زیست بنا بر یک تعریف ساده از محیط زیست بایستی گفت که به محیط اطراف، که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با ما در ارتباط می‌باشد محیط زیست گفته می‌شود و شامل سه بخش محیط زیست طبیعی، محیط زیست اجتماعی و محیط زیست انسان ساخت می‌باشد. محیط زیست طبیعی، ساخته‌ی دست بشر نمی‌باشد و شامل عوامل جاندار و بی‌جان می‌باشد. محیط زیست اجتماعی هم محیطی است که در آن زندگی می‌کنیم. محیط زیست انسان ساخت نیز به محیطی اطلاق می‌شود که با توجه به نیازهای انسان به دست انسان ساخته شده است. لذا، یکی دانستن محیط با طبیعت (جنگل، حیات وحش، مراتع، سبزه‌زارها، رودخانه‌ها و آب‌های سطحی)، نه تنها گمراه کننده است، بلکه نادرست نیز می‌باشد. محیط در معنای منطقی و گسترده‌ی ذهنی خود، محیط ناطبعی، انسانی، اجتماعی یا مصنوعی را در بر می‌گیرد. در عین حال می‌توان با رویکرد نسبی، از محیط حیوانات یا محیط سیاره‌های دیگر سخن راند (حقوق زیست محیطی بشر، ۱۳۸۹: ص ۳۸). الکساندر کیس معتقد است «اصطلاح محیط زیست را می‌توان به یک منطقه محدود یا تمام یک سیاره و حتی به فضای خارجی که آن را احاطه کرده است، اطلاق کرد» (کیس، ۱۳۷۹: ص ۵). مطابق «۱۰» قانون محیط زیست افغانستان، محیط زیست عبارت است از: «منابع طبیعی، تعاملات بین اجزای منابع طبیعی یا بین اجزای مذکور و انسانها و حیوانات، خواص فزیک، فرهنگی، تزئینی یا شرایطی است که صحت و سلامت آنها را تحت تأثیر قرار میدهد.» در واقع، محیط زیست، مفهوم وسیع‌تر از اشجار، حیوانات، پرندگان و حشرات داشته و شامل تمامی اشیای اطراف ما و فعالیت‌های متقابل و برنامه‌های که اجزای مختلف را با هم پیوند می‌زند، می‌شود. بنابراین، محیط زیست، شامل منابع محسوس (مانند آب، خاک، زمین، منرال‌ها، جنگلات، چراگاه‌ها، غله‌جات، حیات وحش و هوا) و نیز مشکلات و مسایل ناشی از اداره و تنظیم ناقص این منابع (مانند امراض ناشی از آب‌های آلوده و مشکلات مربوط به آن، بیجا شدن گان بر اثر خشکسالی‌ها، از دست دادن ابزار معیشت و درآمدها در نتیجه تخریب زمین و منابع موجود در آن) می‌باشد.

#### ۲- سلامتی، بهداشت و محیط زیست

یکی از حق‌های مندرج در نسل سوم حقوق بشر، حق بر داشتن محیط زیست سالم می‌باشد. زیرا هرگاه آلودگی و تخریب محیط زیست یک منطقه و مردم را فراگیرد، زمینه برای ابتلاء به انواع بیماری‌ها و در نتیجه افزایش مرگ و میر و کاهش سن امید به زندگی در آن کشور مهیا خواهد شد. آلودگی‌ها، گاهی، چنان اثرات مخربی به بار می‌آورند که نسل‌های آتی ساکن در آن منطقه نیز از آن رنج برده و آثارش را متحمل می‌شوند. لذا حفظ محیط زیست و نگهداری از آن در مقابل انواع آلاینده‌ها ارتباط تنگاتنگی با سلامتی و بهداشت ساکنان آن زیست بوم دارد. به عنوان مثال فقدان مدیریت پسماندها در شهر کابل و مصرف روزانه مقدار زیادی ذغال سنگ و تولید گاز کربن، این شهر را به آلوده‌ترین و ناسالم‌ترین محیط‌ها

تبدیل نموده و محیط زیست، بهداشت و سلامت ساکنان آن را به خطرات جدی مواجه ساخته است (رجایی: <http://www.bbc>). تهدیدهای گسترده مانند سرازیر شدن سیلاب‌ها، قطع جنگلات،<sup>۱</sup> چرای بیش از حد،<sup>۲</sup> جمع آوری بوته‌ها، زراعت للمی، منحرف ساختن مسیر آب،<sup>۳</sup> تغییر اقلیم، محیط زیست را در سراسر این کشور با تهدید جدی مواجه ساخته و بلکه در معرض انقراض قرار داده است (ستراتژی ملی تنوع بیولوژیکی و برنامه عمل افغانستان، ۲۰۱۴ - ۲۰۱۷م: ص ۴۱). بنابراین، با توجه به تصمیمات که توسط جامعه‌ی بین‌المللی در موضوعات «حقوق بشر» و «محیط زیست» گرفته شده و وقوع تحولات شگرف در روابط بین‌المللی و همکاری بین کنشگران مختلف در این زمینه و واقعیت‌ها و شرایط فعلی زندگی گویای نوعی رابطه انکار ناپذیر و ناگسستی بین حقوق بشر و محیط زیست است.

رابطه‌ی که اگر در کشوری مثل افغانستان همزمان با رعایت مسایل حقوق بشری مورد توجه دولت مردان و حکومت قرار گیرد می‌تواند نتایج زیست محیطی خوبی را در پی داشته باشد. زیرا رعایت نسل دوم (حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) و سوم حقوق بشر لزوماً به رعایت حقوق زیست محیطی نیز منجر خواهد شد. ضرورت در نظر گرفتن این رابطه، زمانی به خوبی درک می‌شود که بدانیم اوضاع زیست محیطی در کشور ما بیش از پیش وخیم تر شده و آثار بسیار نامطلوبی را در پی داشته است. وجود بیش از سه هزار مرگ زود هنگام سالانه در کابل بر اثر آلودگی هوا و خطرات ناشی از انباشت پسماندها (<http://dailyafghanistan>), پیامدهای منفی تخریب انواع اکوسیستم‌ها برای مردم شامل: کمیابی آب، نابودی گونه‌های مختلف پرندگان و پستانداران، بلایایی طبیعی ناشی از تخریب جنگلات و مراتع کشور، شیوع انواع بیماری‌ها بر اثر آلودگی‌های زیست محیطی و آلودگی آب‌های زیرزمینی و سوء مدیریت یا به تعبیر دقیق‌تر نبود مدیریت انواع پسماندهای خطرناک، از جمله چالش‌هایی هستند که جامعه افغانستانی با آن روبه روست. و لذا قاطعانه می‌توان گفت که ترویج، توسعه، ارتقا و رعایت حد اکثری نسل سوم حقوق بشر در افغانستان، می‌تواند باعث حفظ محیط زیست در این کشور گردیده و زمینه‌ی توسعه‌ی پایدار، رفاه اجتماعی و امید به زندگی را در میان مردم این سامان فراهم نماید.

تا اینجا با مفهوم حق، حقوق، حقوق بشر و محیط زیست آشنا شدیم؛ در ادامه‌ی این مقاله سعی می‌شود رابطه‌ی حقوق بشر با محیط زیست<sup>۴</sup> را از نظر نتایج گردهمایی‌های بین‌المللی زیست محیطی بررسی نماییم. شکی نیست که به موازات طرح

۱. ماده‌ی «۸۳۱» کد جزا در این زمینه مقرر کرده است: «شخصی که از جنگل دولتی بر خلاف پلان حفظ و مراقبت جنگل‌ها و منابع آن بهره برداری نماید، به جزای نقدی از پنج هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد.»  
 ۲. بند «۱» ماده‌ی «۸۳۲» کد جزا مقرر کرده است: «شخصی که حیوان‌های مانند شتر و بز را در داخل جنگل دولتی بچراند، به جزای نقدی از پنج هزار تا ده هزار افغانی، محکوم می‌گردد.»  
 ۳. ماده‌ی «۸۳۶» کد جزا مقرر کرده است: «شخص در یکی از حالات ذیل، به حبس متوسط تا دو سال با جزای نقدی از شصت هزار تا یکصد و بیست هزار افغانی، محکوم می‌گردد: در حالتی که جریان منابع آب را تغییر یا بدون صلاحیت قانونی در توزیع آب مداخله کند.»  
 ۴. آلن بویل معتقد است که حقوق زیست محیطی در هیچ طبقه بندی یا نسل حقوق بشری نمی‌گنجد و رابطه‌ی بین این دو باید از سه زاویه زیر دیده شود:

موضوع حقوق بشر از اواسط قرن بیستم، موضوع محیط زیست نیز در سطح جهانی مطرح بوده و تلاش‌های انجام شده در این زمینه، منجر به تشکیل کنفرانس‌های مهم بین‌المللی و تصویب بیانیه‌ها و نیز چندین ابزار مهم حقوقی زیست‌محیطی منطقه‌ای و بین‌المللی گردیده است (ر، ک: امین منصوری، ۱۳۹۴: ص ۸). با وجود پیشرفت‌های به وجود آمده در هنجارسازی با تدوین و تصویب ابزارهای حقوقی بین‌المللی در زمینه‌های حقوق بشر و محیط زیست و نیز پیوستن تعداد زیادی از دولت‌ها، هنوز ضعف‌های فراوانی در اجرای این گونه قواعد به چشم می‌خورد که مقاله‌ی حاضر با طرح الزامات بین‌المللی و منطقه‌ای دولت‌ها مبنی بر ضرورت توجه به حفظ، احترام و ارتقای حقوق زیست‌محیطی، بر ضرورت رفع این ضعف‌ها و لزوم به کارگیری قواعد و موازین زیست‌محیطی در کشور، پای خواهد فشرد. قبل از آن، برای اثبات رابطه میان حقوق بشر با محیط زیست، نتایج گردهمایی‌های مهم بین‌المللی حقوق بشری و زیست‌محیطی و نیز اسناد حقوقی بین‌المللی را مورد بررسی قرار می‌دهیم، تا ابعاد شناخته شده‌ی رابطه بین محیط زیست و حقوق بشر توسط جامعه جهانی روشن شده و سیر تحولات در این زمینه واضح شود. در این میان، تجربه‌های ناشی از فعالیت‌های در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی در رابطه با محیط زیست و حقوق بشر نظیر تصویب و اجرای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، منشور حقوق بشر آفریقا و پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق بشر آمریکایی در باره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، می‌تواند زمینه‌ساز اقدامات مشابه در کشور باشد. چنانکه انتصاب کارشناس مستقل و گزارشگر ویژه‌ی شورای حقوق بشر در زمینه حقوق بشر و محیط زیست می‌تواند در روشن‌تر شدن زوایا و ابعاد رابطه‌ی یاد شده بسیار کارساز باشد.

### ۳- گردهمایی‌های بین‌المللی محیط زیستی

در این قسمت، به بررسی نتایج گردهمایی‌های مهم بین‌المللی حقوق بشری و زیست‌محیطی می‌پردازیم، تا روشن شود که مسایل زیست‌محیطی با حقوق بشر چه ارتباطی دارد.

#### ۳-۱- کانفرانس محیط زیست انسانی سازمان ملل متحد

در پی بروز نگرانی‌های گسترده در سطح بین‌المللی در مورد روند فزاینده‌ی تخریب محیط زیست بر اثر فعالیت‌های توسعه‌ای، مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصمیم به تشکیل کانفرانس<sup>۱</sup> محیط زیست انسانی گرفت. این کانفرانس در سال «۱۹۷۲م» با حضور هیئت‌های عالی رتبه «۱۱۳» دولت، نمایندگان جوامع مدنی و سازمان‌های بین‌المللی در استکهلم سوئد تشکیل و طی آن، مذاکرات مهمی در باره‌ی تأثیر متقابل وضعیت محیط زیست و فعالیت‌های توسعه‌ای انسانی انجام شد. از جمله نتایج این کانفرانس، صدور بیانیه‌ی استکهلم با «۲۶» اصل و «برنامه عمل» با «۱۰۹» توصیه بود. همانگونه که

الف: به وسیله‌ی حقوق مدنی و سیاسی برای دسترسی اشخاص به اطلاعات زیست‌محیطی، مسایل قضایی و روندهای مدنی استفاده شود. به عبارت دیگر، راه حل عملی برقراری رابطه بین محیط زیست و حقوق بشر، سبز کردن قانون حقوق بشر و نه کار بر روی قانون حقوق محیط زیست است. ب: داشتن یک محیط زیست سالم، حق اجتماعی و اقتصادی افراد است؛ موضوعی در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز مطرح است. ج: توجه به کیفیت محیط زیست به عنوان حق عمومی و جمعی مردم (نه اشخاص) برای تصمیم‌گیری در باره‌ی محیط زیست و منابع طبیعی‌شان ضروری است (Boyle: 2014).

1. United Nations Conference on Human Environment.

از عنوان کانفرانس مشخص است، دو موضوع «محیط زیست» و «انسان» در دستور کار این گردهمایی تاریخی بود و در سخنان نمایندگان دولت‌ها و جوامع مدنی شرکت کننده به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت. بیانیه‌ی کنفرانس استکهلم را می‌توان شروع به کارگیری رهیافت زیست‌محیطی در مورد حقوق بشر در سطح بین‌المللی دانست.

طبق بیانیه‌ی فوق، هر دو بعد محیط زیست بشر، یعنی بخشهای طبیعی و ساخته‌های بشری برای برخورداری وی از رفاه و حقوق اساسی از جمله حق حیات<sup>۱</sup> ضروری است. حقوق اساسی بشر شامل برخورداری از آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در یک محیط زیست با کیفیت است که باعث یک زندگی با کرامت و مرفه می‌شود (Stockholm Declaration, para: 1). باید از منابع طبیعی زمین مانند هوا، آب، زمین و گونه‌های گیاهی و جانوری به نفع نسل‌های فعلی و آینده از طریق برنامه ریزی و مدیریت صحیح محافظت شود. بشر، مسئولیت حفاظت و مدیریت خردمندانه میراث حیات‌وحش و زیستگاه آن را به عهده دارد (Stockholm Declaration, Principles 3, 4 & 5).

به طور کلی باید گفت که گرچند بیانیه‌ی یاد شده، نگاهی مثبت به فعالیت‌های انسانی برای نیل به توسعه دارد؛ اما اگر فعالیتی به ضرر سلامت جسمی و روانی بشر و باعث آسیب‌رسانی به محیط زیست از طریق آلوده کردن آب و هوا و خاک و بهم خوردن تعادل اکولوژیک سپهر زیستی شود، آن را مردود می‌شمارد (Stockholm Declaration, para. 3). بدین‌سان، بیانیه‌ی مذکور، ضمن اهمیت قائل شدن به فعالیت‌های بشری و دادن حق به بشر برای انجام فعالیت‌های معقولانه با استفاده از منابع طبیعی اطراف خود، فعالیت‌های زیانبار و غیر قابل جبران را رد کرده و چنین حقی برای جوامع بشری قائل نشده است؛ زیرا اعطای این نوع از حقوق، نه اعطای آزادی به بشر که به ضرر خود آن‌ها و نیز موجودات جان‌دار و بی‌جان در طبیعت می‌باشد.

بیانه، به ضرورت مقابله با تضييع حقوق برخی گروه‌ها و افراد در يك کشور به وسیله‌ی برخی گروه‌های دیگر نیز اشاره کرده است (Stockholm Declaration, Principles 1 & 15). بدین صورت که به موازات اشاره به ضرورت حفظ محیط زیست و در برخوردی تند و صریح، برخی از سیاست‌های رایج در آن زمان (در برخی مناطق جهان مثل افغانستان) نظیر تبعیض یا تسلط نژادی، اشغال خارجی، استعمار و آپارتاید که منجر به نقض حقوق بشر می‌شود را محکوم می‌کند. نکته قابل توجه این است که برخی از این سیاست‌ها و اقدامات ناقض حقوق بشر، در چگونگی بهره‌برداری از منابع و برنامه‌ریزی‌های مربوط به توسعه و شهرسازی جلوه می‌کند. روش دیگری که در بیانیه برای برخورد با ناقضان مسایل محیط زیستی، به آن اشاره شده است، تذکر دادن و مقابله با زیان‌رسانان به محیط زیست است (Stockholm Declaration, Principle 21). بیانیه، اصل حقوق بین‌المللی مبنی بر حق حاکمیت دولت‌ها بر منابع خود و بهره‌برداری از آن را تأیید می‌کند و بلافاصله تذکر می‌دهد که این بهره‌برداری در سرزمین‌های تحت حاکمیت یا کنترل نباید منجر به وارد شدن خسارت‌های زیست‌محیطی به مناطق یا کشورهای دیگر شود. بر اساس این تجویز، حق دسته جمعی افراد یک جامعه در بهره‌برداری از منابع طبیعی خود، دچار محدودیت‌هایی می‌شود. به عبارت

<sup>۱</sup> Right to Life.

دیگر، یک دولت تا حدی حق بهره‌برداری از منابع طبیعی خود را دارد که خسارت زیست‌محیطی به دیگر کشورها وارد نشود.

### ۲-۳- کانفرانس محیط زیست و توسعه سازمان ملل متحد

بیانیه ریو<sup>۱</sup> و دستور کار «۲۱»<sup>۲</sup> از نتایج مهم کانفرانس محیط زیست و توسعه سازمان ملل متحد است.<sup>۳</sup> بیانیه مذکور، انسان را در ملاحظات توسعه پایدار، دارای محوریت می‌داند و معتقد است که هر فرد انسانی باید از یک زندگی سازنده و سالم و در همگونی با طبیعت برخوردار باشد (Rio Declaration, Principle 1). بیانیه، ضمن اشاره به داشتن حق توسعه، به عنوان یک حق بشری، و ضرورت اجرای آن، حفاظت از محیط زیست را جزء جدایی‌ناپذیر روند توسعه معرفی می‌کند. بهره‌برداری از منابع را حق حاکمیتی دولت‌ها دانسته و هم‌زمان از آنان می‌خواهد که فعالیت‌های بهره‌وریشان، آسیبی به محیط زیست کشورها یا مناطق هم‌جوار وارد نکنند. در بیانیه یادشده، هم‌چنین، بر ضرورت تأمین نیازهای زیست‌محیطی و توسعه‌ای نسل‌های فعلی و آینده با عملی شدن حق توسعه، تأکید شده و دولت‌ها مکلف گردیده است تا برای جبران هرگونه خسارت وارده به قربانیان آلودگی و دیگر آسیب‌های ناشی از تخطی‌های زیست‌محیطی همکاری نمایند (Rio Declaration, Principles 2, 3, 4 & 13). علاوه بر اینکه بر اساس سند مذکور، جبران خسارت وارده حق زیان‌دیدگان از آسیب‌های محیط‌زیستی قلمداد شده است، اشاره به نقش زنان، جوانان و مردم بومی در تحقق توسعه پایدار و ضرورت حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی در مناطق تحت اشغال و سلطه، نشان از رنگ و بوی حقوق بشری در این بیانیه زیست‌محیطی - توسعه‌ای است (Rio Declaration, Principles 20 to 23).

### ۳-۳- کنفرانس جهانی حقوق بشر

برنامه عمل وین<sup>۴</sup> نتیجه‌ی مباحث مطرح شده در کانفرانس بین‌المللی حقوق بشر<sup>۵</sup> است که در سال «۱۹۹۳م» صادر شد و بر محوریت انسان در توسعه پایدار در آن تأکید صورت گرفت. طبق بیانیه مذکور، حق توسعه باید به گونه‌ای اجرا شود که نیازهای توسعه‌ای و زیست‌محیطی نسل‌های فعلی و آینده هم‌زمان تأمین گردد (Vienna Declaration, para. 10). در این کانفرانس تأکید شده است که دهن غیر قانونی ترکیبات و پسماندهای خطرناک و سمی، و نیز فقدان مدیریت پسماندهای غیر سمی، باعث تهدید جدی حق حیات و سلامت انسان شده و لذا

<sup>۱</sup>. یک سند توسعه‌ای زیست‌محیطی است.

<sup>۲</sup>. Rio Declaration and Agenda 21.

<sup>۳</sup>. United Nations Conference on Environment and Development, so called Earth Summit.

<sup>۴</sup>. Vienna Declaration and Program of Action.

<sup>۵</sup>. World Conference on Human Rights.



دولت‌ها موظفند به کنوانسیون‌های موجود در رابطه با دفن محصولات خطرناک و سمی پیوسته و مفاد آن‌ها را به اجرا درآورند (Vienna Declaration, para. 11).

### ۳-۴- کنوانسیون آرهوس

کنوانسیون منطقه‌ای آرهوس<sup>۱</sup> را می‌توان پس از بیانه‌ی استکهلم، دومین سند مهم مبتنی بر حقوق<sup>۲</sup> در باره‌ی حفاظت از محیط زیست دانست؛ این کنوانسیون به حقوق اساسی رویه‌ای عموم<sup>۳</sup> اشاره نموده و به این ترتیب خواستار مشارکت عموم در حفاظت از محیط زیست خود می‌شود. طبق این کنوانسیون، دولت‌های هم‌پیمان موظفند سه عنصر رویه‌ای که به آن‌ها قطب‌های کنوانسیون<sup>۴</sup> نیز گفته می‌شود را در قوانین خود وارد کنند. این قطب‌ها شامل دسترسی به اطلاعات مربوط به محیط زیست، مشارکت عموم در روند تصمیم‌گیری در باره محیط زیست و دسترسی به دستگاه عدالت می‌باشند. کنوانسیون مذکور، حفاظت کلی از محیط زیست را برای رفاه و برخورداری بشر از حقوق اولیه انسانی، از جمله حق حیات، ضروری می‌داند. طبق سند یاد شده، هر شخصی حق دارد در یک محیط زیست مناسب برای سلامتی و رفاه خود زندگی کند و حفاظت و بهبود وضعیت محیط زیست به نفع نسل‌های فعلی و آینده است.

### ۳-۵- کانفرانس توسعه پایدار سازمان ملل متحد

نقش محوری محیط زیست، در سند پایانی کانفرانس مذکور،<sup>۵</sup> بسیار برجسته بوده و می‌توان با توجه به آن، رابطه‌ی بین محیط زیست و حقوق بشر را استنباط نمود. در این سند، بر اهمیت آزادی، صلح، امنیت و احترام به حقوق بشر از جمله حق توسعه و حق استاندارد کافی زندگی شامل حق غذا و... تصریح شده و بر اهمیت اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و دیگر ابزارهای حقوق بشری بین‌المللی و حقوق بین‌المللی نیز تأکید صورت گرفته است. تنظیم کنندگان سند مذکور معتقدند که دموکراسی، زمامداری مطلوب و حاکمیت قانون، لازمه‌ی توسعه‌ی پایدار که شامل رشد اقتصادی پایدار، توسعه‌ی اجتماعی، حفاظت از محیط زیست و محو فقر و گرسنگی است، می‌باشد. چنانکه اجرای اهداف توسعه‌ی پایدار، نیازمند وجود مؤسسه‌های مؤثر، شفاف، پاسخ‌گو و دموکراتیک خواهد بود.

در جای دیگر از سند یاد شده، بر تعهد همگان به تقویت همکاری بین‌المللی برای مدنظر قراردادن و رفع چالش‌های مربوط به توسعه پایدار، نیاز به تحقق ثبات اقتصادی، رشد اقتصادی پایدار، ارتقای برابری اجتماعی و حفاظت از محیط زیست، برابری جنسیتی، توانمندسازی زنان و... تصریح شده است (Rio Outcome Document, para. 8 to 11). چنانکه ملاحظه شد، در سند یاد شده علاوه بر نکات صریح حقوق بشری مانند آزادی، حق غذا، دموکراسی

<sup>۱</sup> UNECE Convention on Access to Information, Public Participation in Decision-making and Access to Justice in Environmental Matters, so called: Aarhus Convention.

<sup>۲</sup> Right-based.

<sup>۳</sup> Public Basic Procedural Rights.

<sup>۴</sup> Pillars of the Convention.

<sup>۵</sup> سند پایانی کانفرانس مذکور، در سال «۲۰۱۲م» در شهر ریودوژانیروی برزیل به تصویب رسید.

و حاکمیت قانون، حق توسعه به عنوان حزئی از حقوق بشر مطرح شده و ضمن شمارش اجزای حقوق بشر و توسعه پایدار، تحقق آن‌ها تلویحاً لازم و ملزوم یکدیگر دانسته شده است.

نویسندگان و متفکران شیعی که در زمینه‌ی رابطه‌ی حقوق بشر و محیط زیست قلم زده‌اند نیز بر ارتباط تنگاتنگ حقوق بشر و محیط زیست تأکید نموده و نوشته‌اند: «هر انسانی حق دارد که در یک محیط پاکیزه و سالم زندگی کند و بر دولت و جامعه تکلیف است که محیط زیست را از هر گونه آلودگیهای مضر به حیات انسانی پاک کنند خواه محیط شهری و خواه محیطهای خارج از شهرها که آلودگی آنها به محیط آبادیهای مورد استفاده انسانها ضرری بزند، و هم چنین اعم از دریاها و فضاهایی که با زندگی انسانها در ارتباط می‌باشند.» (جعفری، ۱۴۱۹هـ.ق: ص ۱۵۶). در منابع روایی ما نیز ارتباط این دو موضوع تأیید شده و در روایتی آمده است که سعید بن مسیب (سعد بن ابی وقاص) لباس [یا وسایل صید (سلب)] کسی که در مدینه صیدی را شکار کرده بود گرفت و گفت: از پیامبر خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود: «کسی فردی را ببیند که در مدینه صید می‌کند لباس او از آن اوست. از این روایت استفاده می‌شود که حفظ محیط زیست و حیات وحش جهت حق حیات انسانها و سلامتی آنان با امام و حکومت جامعه است و کسی حق ندارد در محدوده شهرها به شکار بپردازد؛ این قانون به شهر مدینه اختصاص نداشته و یک قاعده‌ی عمومی است که مقرر می‌کند هر کس حیات وحش را به خطر بیندازد باید جریمه بپردازد و لباس یا وسیله صید او گرفته شود (منتظری، ۱۴۰۹هـ.ق/۳: ص ۵۰۹).

نظام حقوقی اسلام، چهارده قرن جلوتر از حقوق بشر غربی، به ارتباط حفظ محیط زیست به حقوق بشر تأکید نموده و حفظ محیط زیست را حتی در زمان نبرد و جنگ نیز لازم شمرده است. پیامبر اکرم در یک دستور محیط زیستی خود فرمود: «وَلَا تَقْطَعُوا شَجَرًا إِلَّا أَنْ تُضْطَرُّوا إِلَيْهَا؛ درختی را قطع نکنید مگر آن که ناچار به قطع آن شوید.» (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق/۵: ص ۲۷). در این دستور حقوق بشری و محیط زیستی حضرت رسول اکرم، خصوص درخت مد نظر نبوده و هر نوع گیاه و سبزه‌ای را شامل می‌شود؛ زیرا یک معنای شجر، در لغت، مطلق نبات است. در روایات دیگر، از ریختن سم در آب و... نهی شده و حفظ محیط زیست را در هنگام نبرد نیز لازم و ضروری شمرده است (جمعی از محققان، ۱۴۲۸هـ.ق/۲: ص ۱۰۰). بنابراین، وظیفه‌ی حفاظت از محیط زیست (که نه تنها استفاده سالم از آن حق همه افراد نسل امروز است بلکه باید برای نسلهای آینده نیز این حق برابر را قائل بود) ایجاب می‌کند که استفاده از سایر حقوق و آزادیها بنحوی باشد که لطمه‌ای بر سلامت محیط زیست وارد نیابد (عمید زنجانی، ۱۴۲۱هـ.ق/۱: ص ۵۴۰). بنابراین، براساس اسناد بین‌المللی و الزامات شرعی، دولت افغانستان برای تضمین وظیفه عمومی حفاظت محیط زیست، باید به وسیله وضع مقررات خاص و ایجاد محدودیتهای لازم از هر گونه بهره‌گیری‌های مالکانه که به گونه‌ای سلامت محیط زیست را تهدید می‌کند جلوگیری نماید و در مورد فعالیت‌های اقتصادی ضروری که مصالح جامعه از آن ناگزیر است هر گاه منجر به نوعی آلودگی محیط زیست گردد اقدامات لازم را برای جبران آن به عمل آورد.

### نتیجه‌گیری

نتایجی که از این پژوهش به دست آمد قرار زیر می‌باشد:

۱- ویژگی مهم حقوق طبیعی این است که برخورداری از آن برای همگان مساوی و یکسان می‌باشد. از این رو، حقوق طبیعی دارای مرتبه‌ای بالاتر از حقوق موضوعه بوده و از تقدم مرتبه‌ای برخوردار می‌باشد؛ یعنی نه تنها نهادهای مقننه‌ی

حکومت‌ها باید حقوق طبیعی را محترم بشمارند، بلکه باید قوانینی که به تصویب می‌رسانند و به مرحله اجرا در می‌آورند نیز، همگی باید در جهت محافظت و حمایت از حقوق طبیعی انسان‌ها باشد و مراقب باشند که در وضع قوانین، حقوق طبیعی نقض نگردد

۲- حقوق بشر: «حقوق ذاتی، غیر قابل سلب و غیر قابل اسقاطی است که لازمه‌ی حیثیت انسانی انسان‌ها بوده و دست توانای خلقت و آفرینش آن‌ها را برای انسان‌ها قرار داده است.»

۳- به محیط اطراف، که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با ما در ارتباط می‌باشد محیط زیست گفته می‌شود و شامل سه بخش محیط زیست طبیعی، محیط زیست اجتماعی و محیط زیست انسان ساخت می‌باشد.

۴- حق بر محیط زیست امتیازاتی است که برای افراد وجود دارد و دولت موظف است زمینه‌ی برخورداری از آن را برای اتباعش فراهم نماید.

۵- در پی بروز نگرانی‌های گسترده در سطح بین‌المللی در مورد روند فزاینده‌ی تخریب محیط زیست، مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصمیم به تشکیل کانفرانس محیط زیست انسانی گرفت؛ این کانفرانس در سال «۱۹۷۲م» با حضور هیئت‌های عالی رتبه «۱۱۳» دولت، نمایندگان جوامع مدنی و سازمان‌های بین‌المللی در استکهلم سوئد تشکیل و طی آن، مذاکرات مهمی در باره‌ی تأثیر متقابل وضعیت محیط زیست و فعالیت‌های توسعه‌ای انسانی انجام شد. از جمله نتایج این کانفرانس، صدور بیانیه‌ی استکهلم با «۲۶» اصل و «برنامه عمل» با «۱۰۹» توصیه بود.

۶- کنوانسیون منطقه‌ای آرهوس را می‌توان پس از بیانیه‌ی استکهلم، دومین سند مهم مبتنی بر حقوق بشر در باره‌ی حفاظت از محیط زیست دانست.

۷- بیانیه ریو و دستور کار «۲۱» که از نتایج مهم کانفرانس محیط زیست و توسعه‌ی سازمان ملل متحد است نیز بر رابطه‌ی تنگاتنگ محیط زیست با حقوق بشر حکایت دارد. زیرا بیانیه‌ی مذکور، انسان را در ملاحظات توسعه‌ی پایدار، دارای محوریت دانسته و معتقد است که هر فرد انسانی باید از یک زندگی سازنده و سالم و در همگونی با طبیعت برخوردار باشد.

۸- برنامه عمل وین نتیجه‌ی مباحث مطرح شده در کانفرانس بین‌المللی حقوق بشر است که در سال «۱۹۹۳م» صادر شد و بر محوریت انسان در توسعه‌ی پایدار در آن تأکید صورت گرفت.

۹- نقش محوری محیط زیست، در سند پایانی کانفرانس توسعه پایدار سازمان ملل متحد، بسیار برجسته بوده و می‌توان با توجه به آن، رابطه‌ی بین محیط زیست و حقوق بشر را استنباط نمود.

## منابع

۱. امین منصور، جواد، رابطه بین حقوق بشر و محیط زیست از منظر جامعه بین‌المللی، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و نهم، پاییز ۱۳۹۴، شماره ۳ (از صفحه ۳۳ - ۷).

۲. بیانیه کانفرانس محیط زیست انسانی ملل متحد به شماره UN Doc. A/CONF.48/14؛

۳. بیانیه کانفرانس محیط زیست و توسعه ملل متحد، موسوم به بیانیه ریو منعکس در: [www.unesco.org/education/nfsunesco/pdf/RIO\\_E.PDF](http://www.unesco.org/education/nfsunesco/pdf/RIO_E.PDF);
۴. جعفری، محمد تقی، رسائل فقهی، مؤسسه منشورات کرامت، تهران، ۱۴۱۹ هـ.ق، چاپ اول؛
۵. جمعی از محققان در پژوهشگاه تحقیقات اسلامی، جهاد در آینه روایات، ج ۲، انتشارات زمزم هدایت، قم، ۱۴۲۸ هـ.ق، چاپ اول؛
۶. سند پایانی کانفرانس توسعه پایدار ملل متحد منعکس در: [www.uncsd2012.org/content/documents/774futurewewant\\_english.pdf](http://www.uncsd2012.org/content/documents/774futurewewant_english.pdf);
۷. عمید زنجانی، عباس علی، فقه سیاسی، ج ۱، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۴۲۱ هـ.ق، چاپ چهارم؛
۸. کلینی، محمد، الکافی (ط-الاسلامیة)، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ هـ.ق، چاپ چهارم؛
۹. منتظری، حسین علی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجم: محمود صلواتی، و ابو الفضل شکوری، ج ۳، مؤسسه کیهان، قم، ۱۴۰۹ هـ.ق، چاپ اول؛
۱۰. اداره محیط زیست کابل، آلودگی هوای کابل به این زودی‌ها قابل حل نیست، منعکس در: [http://dailyafghanistan.com/opinion\\_detail.php?post\\_id=121538](http://dailyafghanistan.com/opinion_detail.php?post_id=121538)
۱۱. جمهوری اسلامی افغانستان، ستراتیژی ملی تنوع بیولوژیکی و برنامه عمل افغانستان، بی‌نا، ۲۰۱۴-۲۰۱۷ م، بی‌جا، بی‌چا؛
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، نشر اسراء، قم، ۱۳۷۵، چاپ چهارم؛
۱۳. رجایی، عالی، تهدید آلودگی محیط زیست در کابل کمتر از تهدید امنیتی نیست، منعکس در: <http://www.bbc.com/persian/afghanistan-44370421>
۱۴. سبحانی‌نیا، محمد تقی، اطاعت از خدا حق یا تکلیف، نشریه معرفت، ۱۳۸۵، سال پانزدهم، شماره ۲، دوره ۵۶-۴۹؛
۱۵. شفیعی، امان‌الله، کرامت انسانی و حق شهروندی با تکیه بر اصول اسلام و دیدگاه امام خمینی، ۱۳۸۵، منعکس در: <http://www.ensani.ir/fa/content/66961/default.aspx>
۱۶. صلح‌چی، محمد علی و درگاهی، رامین، بررسی ماهیت حقوق همبستگی: حقوق جمعی یا مردمی، فصلنامه علمی - پژوهشی حقوق عمومی، پاییز ۱۳۹۳، دوره ۱۵، شماره ۴۱، (از صفحه ۱۴۳-۱۶۸)؛
۱۷. فلسفی، هدایت‌الله تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین‌المللی، مجله تحقیقاتی حقوقی، شماره ۱۷-۱۶.
۱۸. فیروزی، مهدی، حق بر محیط زیست، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۴، چاپ سوم؛
۱۹. مطهری، مرتضی، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، ج ۱۹، بی‌نا، قم، بی‌تا، چاپ اول؛
۲۰. کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۷۷، چاپ اول؛
۲۱. \_\_\_\_\_، مقدمه علم حقوق، شرکت انتشار، تهران، ۱۳۷۱، چاپ دوم؛
۲۲. کیس، الکساندر، مقدمه‌ای بر حقوق بین‌الملل محیط زیست، ترجمه محمد حسن حبیبی، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۹، چاپ دوم؛
۲۳. مصباح یزدی، محمد تقی، حقوق و سیاست در قرآن، مؤسسه آموزشی امام خمینی، قم، ۱۳۷۷، چاپ سوم.
۲۴. Boyle, Alan, Human Rights, or Environmental Rights: A Reassessment, Edinburgh University press.